

جایگاه کتاب در مبارزه با داعش

ثریا شهابی



”راه حل مسئله دولت اسلامی عراق و شام، نظامی نیست و این گروه نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا باید به جای بمب بر سر آنها کتاب بریزند“
- خانم شیرین عبادی در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری فرانسه.
داعش، طالبان، بوکو حرام، القاعده، جبهه النصر و انواع و اقسام دستجات آدم کش قومی و مذهبی هر روز نمونه جدیدی از شنیع‌ترین جنایات علیه کودکان و مردم بیگناه را اختراع و به نمایش میگذارند و میلیاردها انسان از آسیا تا آفریقا، از خاورمیانه تا استرالیا و پرت‌ترین گوشه کره خاکی هر روز از خود میپرسند که چگونه میتوان؟ چرا؟ و تا کی؟

تصویری که با شرف‌ترین رسانه‌های اصلی در غرب از منطق منجلابی که در خاورمیانه و گوشه‌های رها شده در آفریقا و آسیا در جریان است بدست میدهند، مضمّن کننده تر اما نسخه کپی برداری شده این تصویر نزد روشنفکران اخته عاشق سواد در جوامعی چون ایران است. ... صفحه ۲



فصل تعیین دستمزدها؛ و جای خالی یک افق طبقاتی روشن

مصطفی اسدپور

تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط باشد بنیاد جامعه سرمایه داری بر کلاشی و فریب و سردواندن استوار است. دولتهای آبرومندتر با پارلمان و قانون و دمکراسی در جلو ویتترین هایشان بجای خود؛ دولتهای بی سر و ته در این دنیا کم نیستند. در میان همه اینها بدون تردید شغل وزیر کار در ایران حسادت برانگیز است. حتی در خود جمهوری اسلامی هم تصدی مقامات بلاخره در ظاهر هم که شده با درجه ای مسئولیت عجیب است. ... صفحه ۳

گزارش برگزاری کمپینها "علیه دولت ترکیه در

دفاع از کوبانی"

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۳



آزادی برابری حکومت کارگری

آغاز مذاکرات میان آمریکا و کوبا؛ شکست ایدئولوژیک کمپ پیروز جنگ سرد

ثریا شهابی

آغاز برقراری مناسبات دیپلماتیک دولت آمریکا با کوبا، کوبایی که بیش از پنجاه سال فشار سیاسی - نظامی و اقتصادی و انواع و اقسام توطئه‌های دستگاه عریض و طویل سیا و پنتاگون را تا امروز تحمل کرده و تسلیم نشده است، نه آنطور که رسانه‌ها ادعا میکنند که گویا این فصل جدیدی در مناسبات دیپلماتیک آمریکا با کوبا است که در واقع فصل جدیدی در موقعیت ایدئولوژیک کمپ پیروز جنگ سرد است. به موقعیت رهبری آمریکا و بورژوازی غرب، از طرف کمپی که ادعا می‌شد شکست خورده است لگد ایدئولوژیک محکمی خورده است. قرار بود پایان شوروی پایان کمونیسم باشد! قرار بود کوبا، بعنوان آخرین بازمانده دوران انقلابات چپی و سوسیالیستی زیر فشار تحریم اقتصادی و فقر و محرومیت در مقابل کعبه دمکراسی غربی به زانو درآید. قرار بود جامعه کوبا بپذیرد که به نام نامی برقراری دمکراسی، در بهترین حالت مردم در آن چون اکثریت محروم و فقر زده سایر کشورهای قاره آمریکا، که به مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش و نیازهای اولیه زندگی مطلقا دسترسی ندارند، رضایت دهند. این سناریو موفق نشد.
اعتراف هیئت حاکمه آمریکا، حکومتی با عظیم‌ترین زرادخانه جنگی جهان، به شکست در مقابل کوبا، جزیره ای کوچک مدعی سوسیالیسم که با کمی بیش از یازده میلیون جمعیت و با اقتصادی کوچک در قلب قاره ای قرار گرفته است که تماما در محاصره غرب است، واقعه ای مهم تر از رابطه دو کشور است. این واقعه، مستقل از نتایج بعدی آن و تحولاتی که در کوبا پس از برداشتن سد تحریم اقتصادی آمریکا بوقوع خواهد پیوست، تا همین جا فی الحال شکست ایدئولوژیک کمپ پیروز جنگ سرد است. آن هم تنها در مقابل یک ادعا و یک تصویر. ... صفحه ۴

ابعاد جنایاتی که داعش و بوکو حرام و القاعده و طالبان و جبهه النصر و انواع و اقسام دستجات سوپر ارتجاعی و جنایی قومی و مذهبی در خاورمیانه، آسیا و آفریقا هر روز می‌آفرینند و هر بار ابعاد توحش و آدم کشی‌های‌ها از کودکان و مردم غیرنظامی و سربریدن و ... از بار قبلی بیشتر است، یک روی لجن‌زاری است که دنیای پسا پیروزی دموکراسی و بازار آزاد هر روز تولید و باز تولید میکند. روی دیگر آن تصویری است که از این منجلب رو به جوامع قربانی و جوامع غربی و میلیاردها بشر کره خاکی که دلشان از این همه جنایت به درد می‌آید بدست می‌دهند.

خوراندن این حب که این منجلب منطق اعتراض در کشورهای فقر زده و محروم در خاورمیانه و آسیا و آفریقا است، به اندازه خود این جنایات مخرب است. خوراندن این حب، توسط بستر اصلی میدیای مغز شوی غرب یک راه مقابله با روی آوری مردم به طرف راه‌های سنتی اعتراض و جدال طبقاتی، هم در شرق و هم در غرب است! تا وقتی که بتوان عروج کثافتاتی چون داعش و القاعده و بوکو حرام و انواع و اقسام دستجات هم خانواده این وحوش را نتیجه بی‌سوادی و بی‌فرهنگی و نارضایتی در این جوامع از این و آن سیاست امپریالیستی یا ملی قلمداد کرد، میتوان در مقابل تحركات از پایین، تحركات انقلابی و اعتراض متشکل طبقه کارگر، شهروندان سکولار، زنان و مردان آزادیخواه سد بست.

میتوان این طور قلمداد کرد که گویا در ایران و مصر و عراق و پاکستان و افغانستان و نیجریه هیچ کس و هیچ اعتراض مترقی جز تحركات دستجات قومی و مذهبی و جنایی وجود ندارد! و این گونه تصویر سازی کرد که جهان با جوامع نکبت زده ای مواجه است که در آنها نشانی از تولید و طبقه کارگر و شهروند متمدن نیست. باطلاق‌هایی که در آنها خود به خود تنها و تنها انگل‌هایی چون داعش و بوکو حرام‌ها تولید و بازتولید میشوند. این بازار فریبکاری مدتهاست زیر پتک واقعیات سختی که دو دهه جهان شاهد آن بوده است، تعطیل شده است.

بازار مهندسی تقابل دو قطبی "جهان متمدن" و "جهان وحشی" دو قطبی راه کارهای "مسالمت آمیز" و "خشونت آمیز" که یک سر آن "جهان متمدن" در غرب است و سر دیگر آن جهان وحشی در جوامع فقر زده و مذهب زده در خاورمیانه و آسیا و آفریقا، مدتهاست که رنگ باخته است. مردم در سراسر جهان امروز هم منفعتی و هم سرنوشتی ارتجاع یک قطبی حاکم در غرب با زوائد فریبکارانه دموکراسی و حقوق بشر اش را با القاعده و جبهه النصر و داعش و طالبان و اسلام سیاسی تجربه کرده اند.

سری که امروز غرب به رهبری آمریکا در مقابل کوبا با کاسترو و دولت برآمده از انقلاب کوبا فرود

آورده است، میخی که به این شکل بر تابوت جنازه برتری دموکراسی غربی بر راه حال‌های انقلابی دخالت از پایین خورده است، همه و همه گواه این ادعا است. مردم جهان راه حل‌های بشردوستانه پیامبران دموکراسی و حقوق بشر در غرب، و امروز محصولات آن را در لباس داعش و القاعده و طالبان و بوکو حرام می‌بینند و آن را در زندگی روزمره خود در دو دهه گذشته تجربه کرده اند. با این وجود رسانه‌های جریان‌های اصلی در غرب همچنان در بازسازی دو قطبی خیر و شری که بورژوازی غرب قهرمان آن است، پا ز نمی‌نشینند. تصویر ژورنالیست تازه فارغ التحصل شده ای که از تحولات جهان عقب مانده است، رپرتاژ خبرنگار تازه کاری که هنوز کمی احساس استقلال میکند و میخواهد کمی از دولت‌های دست راستی فاصله بگیرد این است که: مردم مستاصل و درمانده در خاورمیانه و آسیا و آفریقا وقتی کرد به استخوانشان میرسد کودکان هم دیگر را سر می‌برند و چشم هم را از حدقه در می‌آورند و گردن می‌زنند و آدم میکشند. انطور که داعش و طالبان و القاعده و سازمانهای خواهر و برادرشان میکنند.

اینطور وانمود میکنند که این وحوش و این جانوران محصولات طبیعی خود این جوامع اند و این جوامع تولیدات بهتری از این انگل‌ها ندارد. در حالیکه مردم در غرب متمدن هنگامی که به فغان می‌آیند شمع روشن میکنند و متمدنانه اعتراض میکنند! واقعیت این است که نه در شرق و نه در غرب در بر این لولا نمی‌چرخد. مردم به تسلیم کشیده شده در غرب، که قرار بود با شعار و شمع روشن کردن و پتیشن امضا کردن محیط کار و زندگی خود را بهبود ببخشند، خود در حال ایستادن روی پای خود در مقابل قدرت‌های حاکم اند. این همان جهانی است که در آن با انقلاب مصر از خیابانهای پاریس تا لندن تحکراتی که خود را با بهار غربی و میدان تحریر تداعی میکرد قد علم کرد. و نشان داد که اعتقاد و اعتماد به نیروی خود از پایین، که این بار نه از پارلمانها و انتخابات‌های پوچ بین بد و بدتر که از تحركات انقلابی مصر و تونس تاثیر گرفته است چه جایگاهی در مکانیزم اعتراض در خود جوامع غربی دارد. جهان تمدن و وحش وارونه شد. این تصویر اما هنگامی که به طیفی از روشنفکران قانونی جوامعی چون ایران، به امثال خانم عبادی، میرسد بیش از مشمئز کننده، که مضحک است. خانم عبادی هم پا به پای همان رسانه‌های دست راستی غرب میفرمایند که ریشه داعش و القاعده و جبهه النصر و ... بی‌سوادی و بی‌فرهنگی و فقر است. و ایران و لیبی و افغانستان و پاکستان و عراق و سوریه بدیل‌های اعتراضی جز این کثافات ندارند. این دروغی بیش نیست! فقر و محرومیت و بی‌سوادی و فریاد عدالتخواهی، میتواند موجب هر شورش و اعتراض کوری بشود. اما چه کسی گفته است که فقر و بمباران شده‌ها، از سر فقر و استیصال کودک همسایه شان را سر

میرند و منزل همشهریشان را به آتش میکشند. بی‌تردید استیصال و فقر زمین مساعدی برای رشد انواع و اقسام انگل‌های سیاسی و قومی و مذهبی میشود. اما این انگل‌ها خود به خود نه متولد میشوند و نه رشد میکنند. هویت تراشی مذهبی و قومی، خرافه و ارتجاع، خود به خود و بطور طبیعی تولید نمیشود و ناشی از فقر و محرومیت مردم نیست. برعکس از کتاب و معبد و خطابه و مسجد و کلیسا و کلیسا و مزخرفاتی است که در حمایت از این هویت تراشی‌ها در سراسر جهان توسط دستان قدرتمند طبقات حاکم تولید و بازتولید میشود. برای تولید نفرت ملی و مذهبی و خشونت کور و عنان گسیخته بیش از همه ناتو و همان کسانی که خانم عبادی از آنها میخواهد جوامع را کتاب باران کنند، سازمان و شخصیت ساخته اند و پول خرج کرده اند و خرج میکنند!

انواع و اقسام نهاد‌های مذهبی و شخصیت‌های مذهبی از آقای روحانی تا خامنه‌ای در ایران تا پاپ و تا اسقف اعظم‌های سراسر جهان انواع و اقسام دستجات قومی و ملی که رهبران و شخصیت‌هایشان با پول و سرمایه خود غرب و قدرت‌های حاکم ارتزاق میکنند، هستند که کینه و نفرت قومی و مذهبی و ملی و توحش تولید میکنند و مردم فقر زده را به جنگ کودک و زن و سالمند همسایه می‌کشاند. این منطق این توحش است نه فقر و بی‌سوادی. این منطق این توحش است نه اسلام خوبی که خانم عبادی مشغول شستن دست آن است. این منطق توحشی است که در خاورمیانه با پول و اسلحه و حمایت بی‌دریغ دول غربی و بخصوص آمریکا، در جدال قدرت بین سروران متمدن جهان و در مقابل تحركات از پایین شکل داده شده است.

توصیه خانم عبادی که به جای بمب کتاب بریزد مضحک تر از آن است که بتوان آن را جدی گرفت. این نسخه بی‌مایه، بیش از آنکه بخواد راه مقابله ای در مقابل داعش پیش پا بگذارد، در مقابل دخالت و اعمال اراده از پایین است. توصیه عبادی در مقابل جنبش‌هایی از جنس مقاومت کوبانی است. در مقابل تسلیح عمومی همگانی است که امروز در کوبانی و کشورهای مشابه در جریان است. داعش، نسخه امروز صدور سپاه دانش و بهداشت ای است که بورژوازی غرب قرن بیست برای گسترش بازار سرمایه به گوشه‌های پرت جهان صادر میکرد. سرمایه داری هزاره سوم میلادی گنبدیده تر، عفونی تر و ارتجاعی تر از آن است که صادرات بهتری غیر از داعش و جبهه النصر برای خاورمیانه و گوشه‌های فقر زده در آسیا و آفریقا داشته باشد. سر تعظیم امروز آن "جهان متمدن" در مقابل کوبا، اعتراف به شکست امروز است. خانم عبادی در کنار آقای بنی صدر دلشان در گرو دخالت ایران در خاورمیانه برای مقابله با داعش است، مابقی اظهاراتشان تعارف و خودشیرینی بیش نیست.

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

فصل تعیین ...

در هیئت وزیر کار میتوان دست پیش گرفت و در جلو دوربین تلویزیون تاکید کرد که دستمزد سال آینده هنوز پایینتر از قبل خواهد بود. هیچ جا و به هیچ وسیله نمیتوان مردم را از هستی ساقط کرد و به همین سر راستی شانه خالی کرد. ایشان تجسم ماهیت و بیلان جمهوری اسلامی سرمایه در ایران است. امروز و با آغاز کشمکشهای مربوط به تعیین دستمزد سالانه کارگران کسی جلودار آقای وزیر کار نیست.

در اواخر ماه آذر و با مانور وزیر کار شیپور مجادلات مربوط به تعیین دستمزد کارگران در سال آتی به صدا درآمد. دستمزد کارگران چقدر است؟ چقدر باید باشد؟ این دستمزد در سال آتی چه میزان خواهد بود؟ جامعه ایران از نظرات و صاحب نظران اقتصادی اشباع است. در آن جامعه از جمله در زمینه آمار اشتغال و تورم و شاخصهای اقتصادی تا دلتان بخواهد حرف مفت موج میزند. کیست در آن مملکت روی کارشناسی بانک مرکزی، روی وعده های مقامات برای دو ماه آینده دل خوش کند؟ اما در زمینه دستمزد حداقل جا دارد دندان روی جگر گذاشت و از حرف حساب مسئولین سر درآورد.

مطابق محاسبات علی ربیعی وزیر کار دستمزد کارگران به میزان ۱۴ درصد و چیزی حدود ۱۴۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت. ایشان یک فرد روزنامه خوان است. فرزند یک خانواده زحمتکش و دنیا دیده و اهل کوچه و بازار است. از مسئولان سابق دوایر امنیتی و مشرف بر عمق نارضایتی در مراکز کارگری است. بنا به همه انتظاراتی که از یک وزیر کار لایق آن حکومت میشود داشت با بر شماردن نتایج عملی رقم اعلام شده مخاطب خود را از هر گونه فکر کردن و محاسبه بی نیاز میسازد. دستمزدهای سال ۱۳۹۳ در همان روز اعلام آن، بدون محاسبه تورم و گرانی بی امان بعدی، در بهترین حالت کفایت ده روز از نیازهای پایه ای یک خانواده کارگری را میتوانست تامین کند. دستمزد در نظر گرفته شده برای سال بعد جوابگوی این سطح نیز نخواهد بود. وزیر کار جمهوری اسلامی دست پیش میگیرد و با تاکید بر محاسبه خط فقر بر مبنای سه میلیون تومان در ماه و با تاکید بر افسار گسیخته بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در مقابل کنترل تورم و گرانی، با تاکید بر کور بودن هر گونه چشم انداز برای اشتغال؛ چهارچوب و دورنمای دیگری را برای طبقه کارگر رسمیت میبخشد. بحث با این دولت بر سر نرخ دستمزد و نیازهای زندگی کارگری بیهوده است. در این چهارچوب امرار معاش طبقه کارگر به سازمان پهنیستی و به کمیته امداد منتقل میگردد. بنا به این چهارچوب یک کارگر در زمینه کار تابع قانون کار و در تامین زندگی در کنار بینوایان، مسکینان، بی سرپرستان و صدقه بگیران دسته بندی میگردد.

به این ترتیب برای دولت در قدم اول مساله سطح زندگی و انتظارات طبقه کارگر به مساله تامین معیشت پایه نزول پیدا کرده است. و امروز در قدم دوم تامین معیشت از دستمزد و روابط کار گسسته

و به ناکجا آباد صندوقهای خیریه حواله میشود. زیر عنوان "تعیین دستمزد کارگران" بخش اساسی پلاتفرم دولت بحث اصلی گرد انتقال حداقل پنج میلیون جمعیت کارگری جامعه به گیرندگان سبد حمایت غذایی اهدایی دولت است. بنا به محاسبات خود دولت شهروندان با درآمد ماهیانه میان ششصد هزار تومان تا یک میلیون تومان از سیر کردن شکم عاجزند. در محاسبات خوش بینانه دولتی با سطح دستمزد جاری هفتاد درصد کارگران علی القاعده در این لیست قرار میگیرند. از وعده های پر سر و صدای دولت روحانی برای توزیع این سبدها از یک مورد در سال گذشته فراتر نرفت. شش ماه از سال جدید نیز جز وعده و محاسبه و نشخوار ارقام و اعداد چیز دیگری بهمراه نداشته است. در این چهارچوب بخودی خود ایرادی به دولت وارد نیست، اینجا "حق" محلی از اعراب ندارد. بحث بر سر نیت خیر است، صدقه است.

صحنه چینی مذاکرات و نظر خواهی برپا شده توسط گله ژورنالیسم و رسانه ها در ایران زیادی خنک و بیمایه است. وزیر کار جلو افتاده است و یکبار دیگر اعلام میدارد که طبقه کارگر پنجاه میلیونی آن جامعه چه بخورد، چگونه لباس بپوشد، مسکن و تفریحاتش، عرض و طول تحصیلات کودکانش و جزئیات زندگی او از چه خصوصیات برخوردار باشد. دولت دارد هزینه کارگر را برای سرمایه دار و برای دولت رقم میزند. دولت دارد متعهد میشود که هر گونه انتظار و توقع بالاتر از این سطح را افسار خواهد زد. سطح دستمزدها محدود به میزان پول پرداختی ماهانه کارفرما به کارگر نیست. با اعلام دستمزدها و چهارچوب تعیین آن دارند ارزش انسانی یک کارگر در جامعه را فریاد میزنند. دستمزد مد نظر دولت فخریه حاکم در ایران رسماً جار میزند شکم کارگر لزومی ندارد سیر باشد، تا جوان است مثل سگ باید از او کار کشید، ارزش معاهده و قرارداد را ندارد، بیمار و پیر و از کار افتاده اش را میتوان مثل تفاله پرت کرد. رسماً و قانوناً میشود او را لابلای دستگاهها فرسوده و معلولش کرد، توهین و تحقیر و قتل او بشرط آنکه در محیط کار باشد آزاد است، رویا و آرزو و خیالات و هوسهایش درست مثل آگاهی و عدالت خواهی او ممنوع است. کودکان متولد در این جمعیت را باید با محرومیت نقره داغ کرد...

فصل دستمزدها بطرز خیره کننده ای مصداق دستمزد و سود حاصله از کار کارگر بعنوان رکن اساسی جامعه سرمایه داری را بنمایش میگذارد. خاصیت فصل تعیین دستمزدها برای دولت و سرمایه داران قبل از هر چیز فرصتی برای محکم کردن تصویر طبقاتی از جامعه است. وزیر کار دارد برای فروش سخیف ترین و منحط ترین تصویر طبقاتی از کارگران سنگ تمام میگذارد. اما معرکه تعیین دستمزدهای جمهوری اسلامی یک اشکال "کوچک" دارد. چرا جناب وزیر کار از اظهار فضل در اجتماع کارگران اجتناب دارند؟ طرفداری ایشان از آزادی تشکلهای مستقل کارگری پیشکش، چرا از برگزاری تجمعات شوراهای اسلامی دست ساز دولت جلوگیری

میکند؟ میشود از ایشان چه بعنوان وزیر کار و چه بعنوان مامور امنیتی سابق از دامنه اعتراضات کارگری و از جرایم کارگران زندانی پرسید؟

فصل تعیین دستمزدها یکی و تنها یکی از بسترهای تعیین سطح دستمزدها است. هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری را کسی جلودار نبوده است. سطح واقعی دستمزدها و بعنوان محوری ترین و مبرمترین خواست کارگری در ایران قبل از هر چیز در گرو توازن قوا و آنهم در تقابل مستقیم با کارفرما قرار دارد. در فصل تعیین دستمزدهای سال ۱۳۹۴ جای خالی یک پرچم طبقاتی روشن و آگاه، یک افق خالی است. تصویر وزیر کار از موقعیت طبقه کارگر واقعی است. این تصویر جامعه دلخواه اینهاست. طبقه کارگر به موتور محرکه ای نیاز دارد که بیقراری تک تک کارگران برای زیر و رو کردن این شرایط را از هزار روزنه و بطور روزمره به نمایش بگذارد.

فصل تعیین دستمزدها فرصتی است که کیفرخواست طبقه کارگر بر علیه جانین مسبب تباهی های یکسال دیگر از دستمزدهای نازل را صیقل داد. کیفرخواستی که چه باید کرد را در دستور جمعهای کارگری قرار دهد.

گزارش برگزاری کمپینا "علیه دولت ترکیه در دفاع از کوبانی"

لندن؛

بنا به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست علیه توطئه های دولت ترکیه و دفاع از مردم کوبانی، واحد این حزب در لندن، شنبه ۲۰ دسامبر، اولین روز کمپین خود را در میدان مرکزی این شهر به مدت دو ساعت آغاز کرد. فعالین حزب ضمن توضیح اوضاع خطیری که امروز متوجه سقوط کوبانی است بر اهمیت فشار به دولت ترکیه بخاطر همدستی با داعش بر سر راه اجرای خواسته های مردم کوبانی، از طریق اعتراض افکار عمومی بین المللی تاکید کردند. همچنین کادراهای حزب برای مردمی که در محل کمپین حضور داشتند به نقش بشریت آگاه جهان در مقابل مسولیت تاریخی مبارزه علیه محاصره اقتصادی و نظامی داعش با حمایت و همکاری آشکار دولت ترکیه علیه زنان و مردان آزادیخواه کوبانی، اشاره کردند. کمپین، دولت ترکیه را به خاطر همدستی با داعش برای به شکست کشاندن کوبانی، محکوم کرد. داعش بدون تسلیحات و پول ناتو و عربستان سعودی و قطر و ترکیه، امکان حیات نداشت. امروز اما، این دولت ترکیه است که در راس دول ارتجاعی، مستقیماً داعش را حمایت میکند و در جنگ داعش با مردم کوبانی، رسماً از داعش حمایت میکند.

کمپین با استقبال پرشور لندن ها در دفاع از مردم کوبانی و علیه توطئه های کثیف و جنایتکارانه دولت ترکیه رو برو شد. ←

آغاز مذاکرات ...

کوبا هرگز قادر نشد اقتصاد سوسیالیستی را بر قرار کند و هرگز الگوی یک ساختار سیاسی سوسیالیستی که در آن طبقه کارگر در قدرت است را پیاده نکرد. هر چند که در متن تحریم اقتصادی کمر شکن آمریکا و فقری که این تحریم به مردم در کوبا تحمیل کرده بود قادر شد یکی از بالاترین استانداردهای رفاه همگانی و دسترسی همگان به آموزش و پرورش و طب و درمان و مسکن را در جهان نگاه دارد.

کوبا، انقلاب کوبا، چگوارا و فیدل کاسترو، و داعیه های سوسیالیستی - کمونیستی در باره آنچه که در کوبا در جریان بود و در جریان است، در همین سطح ادعا، با دشمنی بیش از نیم قرن آمریکا روبرو بود. همه راهها برای به زیر کشیدن کاسترو و از این طریق اعلام شکست کوبا و بقول سیا "آزاد سازی کوبا" شکست خورد.

معلوم شد که رابطه محکومین و حکومت شونگان در این جزیره که دستگاه مغزشویی بورژوازی غرب بیش از نیم قرن آن را توتالیتر و دیکتاتوری میخواند، از رابطه مردم با حکومت در فرانسه و مکزیک و آمریکا و انگلیس و همه دوستان و متحدین غرب در خاورمیانه و آسیا و آفریقا محکم تر است. این رابطه، علاوه بر احترام و اعتباری که کمونیسم و سوسیالیسم، با هر برداشتی که نزد مردم کوبا و مردم آمریکای لاتین دارد، مدیون ایجاد حداقلی از الگوی اداره جامعه است که در آن در سخت ترین شرایط انزوا بین المللی و تحریم، مسکن و بهداشت و طب و نیازهای اولیه زندگی همگان اولویت حکومت است.

اعتراف امروز اوپاما به اینکه در سیاست "آزاد سازی" در کوبا موفق نبوده اند و سیاست انزوا کار ساز نیست، اعتراف به یک شکست ایدئولوژیک است. این شکست از یک طرف محصول ایستادگی آرمانهای انقلابی و سوسیالیستی کوبا در مقابل کمپ پیروز جنگ سرد یعنی اقتصاد بازار آزاد و دمکراسی پوشالی غرب است، اما و مهمتر اینکه

این رویداد محصول تجربه ای است که جهان دو دهه است شاهد آن است.

جهان شاهد است که چگونه پرچم گسترش دمکراسی در خاورمیانه موجب قتل عام ها و به گرسنگی و فقر کشاندن میلیونها نفر در خاورمیانه شده است و چگونه نسخه های آزاد سازی این "سروران" جهان، هر روز دسته و گروهی جنایی وحشی تری از قبل تولید و بازتولید میکنند.

مردم جهان لیبی با قزافی و عراق با صدام را با آنچه که امروز با برقراری دمکراسی غربی در این کشورها میگذرد مقایسه میکنند و تعفن زوروق صدور دمکراسی غربی و آزاد سازی های مدل سوریه و عراق و لیبی را تجربه کرده اند. اعتراف اوپاما به شکست سیاست آمریکا در قبال کوبا آخرین میخ بر تابوت جنازه موقعیت برتر و سروری آمریکا و مضحکه دمکراسی غربی است، برای آزاد سازی کشورها.

با آغاز مناسبات بین کوبا و آمریکا و پس از برداشته شدن سد تحریم های اقتصادی و تجاری علیه کوبا، بی تردید کوبا شاهد فشارهای اقتصادی کمتری بر شهروندان خواهد بود و مردم آمریکا پتک ضد کمونیستی بر فراز سرشان که از دشمنی با کوبا تغذیه میکرد سبک تر خواهد شد. این کمترین نتیجه آغاز این مناسبات است.

شکستن تحریمها و قبول کوبا در مجمع بازار جهانی اما جاده ای یکطرف نیست. یکی از شروط ورود به جرگه "بازار جهانی" تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر است. از این رو حیاتی است که در مقابل تعرض به طب رایگان و عمومی و آموزش و پرورش و مسکن و خدمات اجتماعی و رفاهی که فی الحال موجود است، یعنی دستاوردهای انقلاب کوبا، هوشیار بود. این خطری است که جامعه کوبا را تهدید میکند. مجبور کردن کوبا به تبعیت از قوانین انحصار بر تولیدات مورد نیاز مردم، انحصار بر بهداشت و تحقیقات و دستاوردهای جهانی، و از جمله رعایت کپی رایت و گران کردن دارو و مداوا و ... از جمله خطراتی

است که جامعه کوبا را تهدید میکند. از زاویه منافع طبقه کارگر جهانی و طبقه کارگر ایران و همه مردم تشنه رفاه و آزادی، تسلیم آمریکا در مقابل کوبا فضای فرهنگی و ایدئولوژیک مناسب تری فراهم میکند. حربه زنگ زده ضد کمونیستی بی خاصیت تر خواهد شد و فرصت و شرایط عروج کمونیسم و سوسیالیسم بار دیگر، این بار نه بعنوان پرچم جنبش های ضد استعماری و ضد امپریالیستی که بعنوان پرچم جنبش های ضد کاپیتالیستی بر دستان کارگر صنعتی در سراسر جهان، فراهم خواهد شد.

شکست های سیاسی و ایدئولوژیک پی در پی بورژوازی جهانی و محلی، شکست کمپ بورژوازی جهانی در تامین حداقلی از امنیت و رفاه در جهان، باید بتواند به عروج مجدد جنبش کمونیستی طبقه کارگر این بار از مراکز صنعتی و در قلب پرولتاریای صنعتی منجر شود.

رادئو نینا Radio "Neena"

رادئو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادئو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A
13°

Frequency: 12597

POL: V

FEC: 3/4

Symbol rate: 27599

Audio PID: 2130

متوجه اوضاع خطیر کوبانی و ضرورت دفاع مردم متمدن دنیا از آنها کنند. تلاش میکردند اهمیت فشار به دولت ترکیه را از طریق مراکز و نهادهای انسانی، از طریق فشار به دولت آلمان جهت خاتمه دادن به محاصره کوبانی و کمک مستقیم و غیر مستقیم به داعش توسط دولت اردوغان کنند. بدینصورت آکسیون ما و کار اطلاع رسانی بعد از دو ساعت به پایان رسید.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد کلن) ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴

شماره تلفن حزب حکمتیست خارج کشور

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

روزهای آتی کمپین را بزودی اعلام خواهیم کرد.

حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد لندن)

۲۱ دسامبر ۲۰۱۴

کلن؛

روز شنبه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۴ علاغم هوای سرد و باران و باد شدید، راس ساعت ۱۴ بنا به فراخوان حزب حکمتیست (خط رسمی) در میدان مرکزی شهر (dmoplatte) واحد کلن حزب حکمتیست آکسیونی اعتراضی را برپا کرد. رفقای ما با گذاشتن میز اطلاعاتی و با نصب پرچمهای قرمز و تراکتهای رنگی در افشای جنایت های دولت ترکیه و بستن مرزها بروی مردم کوبانی، محاصره کوبانی و همزمان کمک و همکاری آشکار با جریان جنایتکار داعش، توجه مردم را به اوضاع کوبانی جلب کردند. رفقای ما در محل علیرغم هوای نامساعد با پخش تراکت و اطلاعاتی های حزب و با صحبت کردن با مردم تلاش میکردند، مردم محل و عابرین و ... را

→ صدها نفر حمایت خود را با امضای پتیشن اعتراضی به دولت ترکیه اعلام داشتند. نسخه های اطلاعیه کمپین و اهداف آن در میان مردم پخش شد. و همزمان این حرکت در میدیای محلی و شبکه عکاسان DEMOTEX انعکاس یافت. لازم به ذکر است که تشکیلات بریتانیای حزب کمونیست کارگری کردستان (عراق) نیز ضمن حمایت از کمپین در محل نیز حضور یافت. همزمان مسئولین کمپین در محل آکسیون یکی از مسئولین حزب اتحاد دمکراتیک سوریه را ملاقات و قول و قرارهایی با هم در مورد ادامه کار کمپین و تبادل نظر در مورد اقداماتی که میتواند برای دفاع از کوبانی پیش برد داشتند.

واحد لندن حزب حکمتیست، همگان را به اعتراض به دولت ترکیه به خاطر سرکوب جنبش حمایتی از کوبانی، به خاطر بستن راه ورود و خروج از کوبانی از طریق ترکیه، به خاطر کمک های تسلیحاتی و مالی به داعش، فرا میخواند. کمپین علیه دولت ترکیه ادامه خواهد داشت و ما تاریخ